



بشارات نبوی در تورات وانجیل

#

نشست «بشارات نبوی در تورات و انجیل» با رویکرد باستان‌شناختی و زبان‌شناسی برگزار می‌شود. این نشست به همت دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت‌مدرس به مناسبت سالروز میعت پیامبر گرامی(ص) و یادبود مرحوم صادق آینه‌وند برگزار می‌شود. این نشست با حضور لطف‌الله نبوی، استاد گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس، سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در محل سالن مرحوم استاد میرحسینی، واقع در دانشگاه تربیت‌مدرس، ساختمان دانشکده علوم انسانی، طبقه چهارم برگزار می‌شود. در این نشست رویکردهای باستان‌شناختی و زبان‌شناسی در بحث بشارات در تورات و انجیل بررسی خواهد شد.

خیام‌شناسی در گفت‌وگو با میر جلال‌الدین کزازی

گیتی به روایت خیام

امروز سالروز میلاد

شاعر نامدار ایرانی است



زهرا سلیمانی‌اقدم

Z.soleymani@fdn.ir

حکیم عمر خیام از جمله چهره‌های ادیب و دانشمند ایران است که با اشعارش جهانی شده است. وی را حکیم می‌گویند اما این لقب به سادگی به کسی داده نمی‌شد و شامل شخصیت‌های ناب این سرزمین می‌شده است، همچون ابوعلی سینا که خیام خود را وامدار او می‌داند. خیام از جمله فیلسوفان شاعر یا شاعران فیلسوف است که پژوهش در آثار وی این نکته را بیشتر آشکار می‌کند. خیام می‌نویسد: «من روش مشائیان چون ارسطو را کامل کرده‌ام.» وی را می‌توان ادامه‌دهنده حکمت مشرقیه دانست اما پژوهش و خوانش اشعار و کندوکاو در سروده‌های خیام نکاتی دارد که با کمک گرفتن از میر جلال‌الدین کزازی، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و پژوهشگر در زبان و ادبیات فارسی، این نکات را یادآور شده‌ایم. از این نویسنده و پژوهشگر می‌وراست از رباعیات خیام در بازار کتاب موجود است. مصاحبه زیر عین گفتار وی است که واژه‌های پارسی سره در آن به کار رفته است. این نوع کلام گفتن از ویژگی‌های بارز این استاد برجسته ادبیات است.

بین شاعران و شخصیت‌های ایرانی تعداد معدودی هستند که لقب حکیم برای آنها به کار می‌رود که عمر خیام یکی از آنهاست اما سوال این است که این لقب چرا به او داده شده است؟

این لقب از آن روی به خیام داده شده است که او بیشتر اندیشمند و دانشور بوده است تا سراسازنده و امنیت‌کنو اواره او در ایران و جهان بیشتر به پاس سخنوری است.

این اندیشمندی و دانشوری خیام بر پایه

اندیشه

www.Farheekhtegan.ir

Mon | 18 May 2015 | vol.07 | No. 1663

دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴ | ۲۹ رجب ۱۴۳۶ | ۱۸ می ۲۰۱۵ | شماره ۱۶۶۳

خبرنامه

اخلاق شفتت با بهره‌گیری از مثنوی



نشست «اخلاق شفتت با بهره‌گیری از مثنوی» در پژوهشگاه علوم اجتماعی و مطالعات انسانی جهاد دانشگاهی برگزار می‌شود. این نشست چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت با سخنرانی بخشعلی قنبری برگزار می‌شود.

محورهای کلی نشست؛ اخلاق شفتت یک نوع اخلاق حداکثری است و تاکید مولانا بر اخلاق شفتت است. نشست «اخلاق شفتت با بهره‌گیری از مثنوی» از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، پلاک ۲۷ خواهد بود.

هنر و زیبایی نزد شیخ نجم‌الدین کبری



نشست تخصصی «هنر و زیبایی نزد شیخ نجم‌الدین کبری» با سخنرانی احمد پاکتچی و منوچهر صدوقی‌سها از استادان دانشگاه بررسی می‌شود.

این نشست دوشنبه ۲۸ اردیبهشت از ساعت ۱۵ در فرهنگستان هنر به نشانی خیابان ولی‌عصر(عج)، پایین‌تر از چهارراه طالقانی شماره ۱۵۵۲، سالن همایش‌های فرهنگستان هنر برگزار می‌شود.

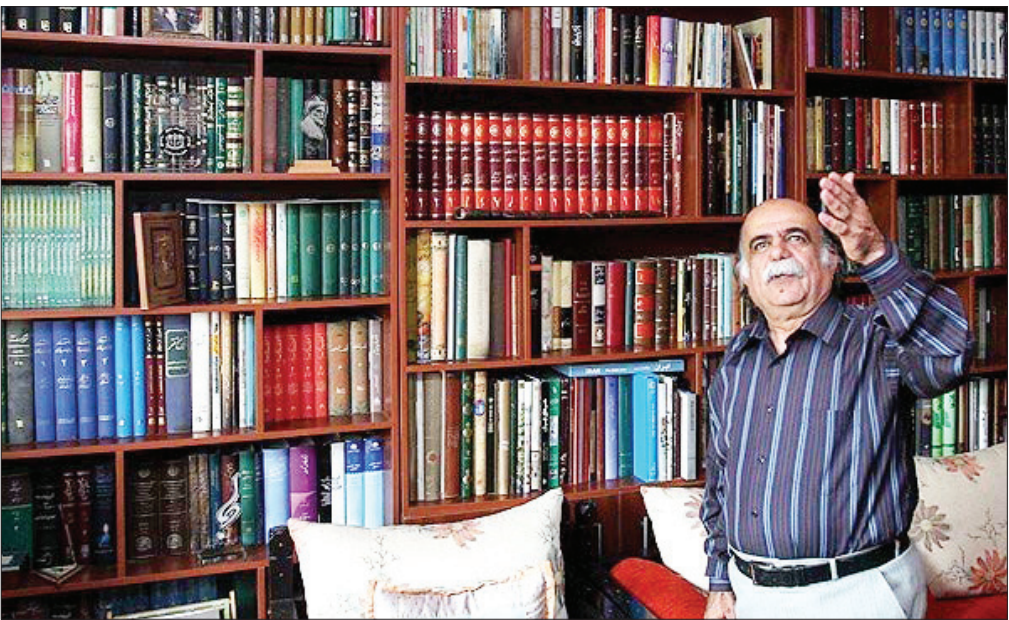
آیا راهکارهای فلسفی رهگشاست؟



گروه پژوهشی حکمت اسلامی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی‌ای با عنوان «تبیین چالش‌های محیط‌زیستی دنیای امروز؛ آیا راهکارهای فلسفی رهگشاست؟» با حضور سیدمحمدرضا علوی‌مقدم، دانشیار دانشکده مهندسی عمران و محیط‌زیست دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار می‌کند.

هدف از ارائه سخنرانی حاضر، بحث پیرامون چالش‌های محیط‌زیستی دنیای امروز با تاکید بر نقش مردم در آن خواهد بود. در نهایت با اشاره به راهکارهای فیلسوفان سنت‌گرا به طرح این سوال می‌پردازد که آیا این راه‌حل‌ها می‌تواند رهگشا باشد؟

در واقع این سوالی پیش‌روی صاحب‌نظران فلسفه است که پس از ارائه تصویری روشن از چالش‌های محیط‌زیستی به پاسخگویی و نقد بپردازند و در حکمت معاصر به دنبال چاره‌جویی این دغدغه انسان معاصر باشند. این نشست چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ساعت ۱۲ تا ۱۴ در محل سالن حکمت برگزاره کردستان، خیابان ایرانشناسی (۶۴)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود.



است از نام خیام به معنای همانند آنچه خیام گفته است.

چنین صفتی را برای این دسته از اشعار برگرفته از رباعیات خیام می‌توان استفاده کرد یا اینکه هر نوع شعری که نشان از آیین و اندیشه و جهان‌بینی شاعری را داشته باشد و این حس را القا کند که از سروده‌های آن شاعر است، می‌توان چنین صفتی را به آن نسبت داد؟

همیشه این امکان هست که سخنی از دیگران مثل شاعری بزرگ بازخوانده شود. بسیاری از بیت‌ها در شاهنامه هست که بارافزوده است و سروده فردوسی نیست یا اشعاری در دیوان حافظ. اما اگر من این واژه را در پیوند با خیام به کار می‌برم از آنجاست که شمار این سروده‌های بازخوانده به خیام، بسیار بالاست و صدها تارانه در درازنای زبان به خیام بازخوانده شده است. پاره‌ای از آنها را می‌توان دانست که از کدامین سخنور است، چراکه در دیوان این سخنور آمده اما بسیاری هم تارانه‌هایی است که سراینده راستین‌شان دانسته نیست. پس کسی که در زمینه تارانه‌های خیام می‌پژوهد به ناچار می‌پاید آنچه را سروده اوست از آنچه دیگران سروده‌اند و به نام وی شده است، جدا بدارد و باز شناسد. زیرا که آنها را نمی‌توان در آن تارانه‌های اندک که از آن خیام است، بنیاد کرد. به هر روی خیام سیرهای نو را در تارانه‌سرایي بنیاد نهاده که بسیاری گسترش و روایی یافته است. ما اگر بخواهیم به سخنوری خیام بپردازیم به ناچار باید نه تنها تارانه‌های خیام بلکه تارانه‌های خیامی را نیز بکاویم و دریابیم. زیرا اگر خیام آن تارانه‌های چند شمار دانی سرود این تارانه‌های دیگر یا تارانه‌های خیامی نیز پدید نمی‌آمد.

در آفرینش ادبی در این تارانه‌ها شمرده می‌شود. به گونه‌ای که در جهان نیز خیام را با اینس پندار شاعرانه می‌شناسند. سرنوشت ازلی نابودی است از این خاک. روز گاری آدمی بوده است؛ شهر یاری بزرگ یا دل‌آرامی دل‌آرا کوزه می‌سازد، کوزه‌ای که زندگان از آن بهره می‌برند. این نگاره و این واژه‌پندارینه آنچنان زنده، پایدار، شرشار از پایداری و زیبایی

و زرهای معنی‌شناختی است که هر خواننده و هر شنونده‌ای را در اندیشه‌ای بی‌ریاض فرو می‌برد که به سرانجام هستی و زندگی خود می‌اندیشند. کسانی که به شیوه خیام تارانه سروده‌اند، اندیشه‌هایی از این گونه‌یسا پندارهایی بیابیم، چه در تارانه‌هایی شاعرانه را مانند گلی که از خاک در گذشتگان ساخته می‌شود به فراوانی به کار گرفته‌اند.

شما گفتید به اشعاری که جدا از آن سسی رباعی که می‌توان با اطمینان گفت از خود خیام هستند به

دیگر اشعار منتسب به خیام. عنوان «خیامی» داده‌اید. آیا واقعا می‌توان چنین اشعاری را تا به این حد مشابه دانست که چنین صفتی را به آنها داد؟ زیرا این تارانه‌ها به آن‌سان که گفته شد به شیوه و آیین خیام سروده شده است، از خیام نیستند اما چون یادآور تارانه‌های خیام هستند اگر کسی آگاهانه، دانشورانه و سخن‌سنجانه آنها را نکاود می‌پندارد که این تارانه‌ها از خیام است، من آنها را خیامی می‌نامم. خیامی ویژگی و صفتی

چه نوع جهان‌بینی و با تأثیر از چه نوع حکمتی در اشعارش تجلی داشت؟ به روشنی نمی‌توان به این پرسش پاسخ داد زیرا آن تارانه‌هایی (رباعی‌ها) که می‌توانیم آنها را با اطمینان از خیام بدانیم تعدادشان بسیار اندک است. این تارانه‌ها آنهاست که در آبخشورهای کهن به نام خیام آورده شده است و شمارشان کمابیش سی تارانه است. از

این روی نمی‌توان بر پایه اینس تارانه‌های کم‌شمار جهان‌بینی خیام را به روشنی دانست. اما آنچه می‌توان درباره همین تعداد گفت این است که در این تارانه‌ها سبدهای

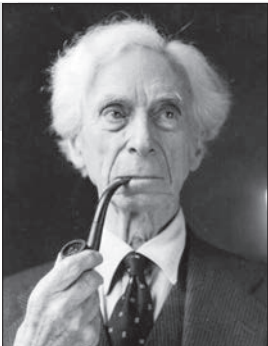
از اندیشه خیام را می‌توانیم بیابیم، چه در تارانه‌هایی هم که دیگران سروده‌اند به شیوه او نیز دیده می‌شوند. من این دسته از تارانه‌ها را «تارانه‌های خیامی» می‌نامم. نیست اما در زبان و بیکره و

پیام و اندیشه به تارانه‌های خیام می‌مانند. نمونه یکی از اینس بن‌مایه‌های پیام‌شناختی، ناپایداری جهان است، اینکه همه چیز در گیتی آغازی دارد و انجامی، آدمی در زمانی کوتاه در جهان به سر می‌برد. پس عرصه بن‌مایه اندیشه‌ای، این اندیشه دیگر در تارانه‌های خیام به همان‌سان در تارانه‌های خیامی کاربرد می‌یابد و پدیدار می‌شود که از این زمان کوتاه باید بیشترین بهره را برد. نمونه دیگر از سامانه پندار‌شناختی خیام به همان‌سان خیامی، داستان گل و کوزه است که یکی از ویژگی‌های بنیادین



نمونه یکی از این بن‌مایه‌های پیام‌شناختی، ناپایداری جهان است، اینکه همه چیز در گیتی آغازی دارد و انجامی، آدمی در زمانی کوتاه در جهان به سر می‌برد

”



خودش از آن با صفت «عمقا» یاد می‌کند و در مصاحبه خود در این باره توضیح می‌دهد که «علاقه من به مذهب سبب شد در سه مساله خدا، جاودانگی و روح و آزادی اراده و اختیار، به صورت جدی کار کنم. از آزادی اراده شروع کردم.»

وی معتقد است که هیچ دلیل معتبری برای آزادی اراده وجود ندارد. به نظر وی چون تمام حرکات ماده به وسیله قوانین دینامیک از پیش معین شده است، حرکت لب‌های انسان نیز هنگامی که سخن می‌گوید باید به همین ترتیب از پیش معین شده باشد، به‌طوری که او نمی‌تواند هیچ کتترلی در باره آنچه می‌گوید اعمال کند. تمام حرکات مادی و حوادث آینده به‌طور کلی از پیش معین شده و سخن گفتن مشمول همین قاعده کلی است. بنابراین بنا به قوانین دینامیک، مثلا آقای «A» نسبت به آنچه می‌گوید آزادی اراده ندارد.

وی در مرحله بعدی به سراغ یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل فلسفه یعنی رابطه میان بدن و فکر می‌رود. او معتقد است هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم وقتی مغز متلاشی می‌شود فکر باقی می‌ماند چراکه وی این دو را بسیار نزدیک و حتی یکی می‌داند.

نقد علامه جعفری به راسل

علامه جعفری ابتدا می‌نویسد که اساس مذهب فقط در این سه مساله نیست. مساله خدا و روح از پایه‌های اولیه مذهبی شمرده می‌شوند، ولی آزادی اراده جزء مسائل مذهبی محسوب نمی‌شود. او در مورد عده‌بہت زدگی راسل درباره مساله خدا می‌نویسد: «این خودداری، یک حالت روانی شخصی است

روزهای پس از انقلاب اسلامی

شاید یکی از مهم‌ترین سوالات تاریخ این باشد که چرا حسین فردوست در روزهای بحرانی حکومت پهلوی ایران را ترک نکرد. او که برخی از سند‌ها حتی درباره اش می‌گویند تنها کسی بود که اجازه داشت با شاه و ملکه به سر یک میز غذا بخورد، در روزهای انقلاب در ایران ماند تا اینکه ۱۲ آبان ۱۳۶۲ در خانه پدری‌اش در خیابان وصال‌شیرازی دستگیر شد. فردوست بعد از بازداشت در سال ۱۳۶۲ حدود چهار سال در بازداشت به سر برد و در این مدت به نگارش خاطرات خود پرداخت. او در نهایت در ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۶ بر اثر سکنه قلبی درگذشت و در بهشت‌زهرای تهران به خاک سپرده شد.

کتاب خاطرات

کتاب خاطرات او شاید یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی باشد که آن را یکی از مقامات نزدیک خاندان پهلوی و شخص محمد رضا شاه به نگارش درآورده است. او در خاطراتش عملکرد خود علیه حکومت پهلوی

در زمان او گرجی انقلاب را تأیید می‌کند. او در خاطراتش می‌نویسد: «صبح روز ۲۲ بهمن، طبق معمول، به بازرسی رفتم. حدود ساعت ۱۰ یا ۹:۳۰ قریب‌اغی از ستاد ارتش تلفن کرد و گفت که کمیسون از ساعت ۷:۳۰ تشکیل شده و تیمساران اعضای کمیسون می‌خواهند شما هم تشریف بیاورید. گفتم الساعه حرکت می‌کنم. حدود نیم ساعت بعد به ستاد ارتش رسیدم. قریب‌اغی رو به من کرد و گفت از صبح این کمیسون تشکیل شده و بحث بر سر این است که آیا ارتش از بختیار حمایت کند یا نه؟ نظرات موافق و مخالف هست و تاکنون نظر کمیسون مشخص نشده. بنابراین اعضای کمیسون خواستند که شما بیاید و نظر خود را اعلام کنید. خطاب به حاضرین گفتم قانون وظیفه ارتش را مشخص کرده و آن وظیفه عبارت است از حفاظت از مرز و بوم ایران در مقابل ارتش متجاوز بیگانه و در وظیفه ارتش نوشته نشده که از نخست‌وزیر هم باید پشتیبانی کند. بنابراین تیمسارانی که موافقت دست خود را بلند کنند، سپس به سپهد حاتم گفتم لطفا مطلبی در این زمینه بنویسید و قرائت کنید ... بلافاصله به‌بهید به رادیو که به‌عنوان خبر فوق‌العاده پخش کند. حاتم متن را نوشت و قرائت کرد و همگی موافق بودند. سپهد طباطبایی نیز نزد من آمد و گفت اگر اعلیحضرت مراجعت کند ما که این صور تجلسه را اعضا کرده‌ایم چه خواهیم شد؟ گفتم بگویند من مسئول طباطبایی تشکر کرد.» «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» عنوان کتاب خاطرات فردوست است. کتابی دو جلدی که سال ۱۳۶۹ توسط انتشارات موسسه اطلاعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شد. این کتاب تا مرداد ۱۳۸۶ به چاپ نوزدهم رسید و با شمارگان قریب به ۱۶۰ هزار دوره یکی از پرفروش‌ترین کتب تاریخی در ایران است. جلد اول شامل خاطرات ارتشبد حسین فردوست، دوست صمیمی محمد رضا شاه پهلوی از دوران کودکی و رئیس دفتر ویژه اطلاعات وی است که توسط عبدالله شهبازی ویرایش شده است. جلد دوم، با عنوان «جستارهایی از تاریخ معاصر ایران»، تألیف عبدالله شهبازی است. این جلد برای اولین بار اسناد اطلاعاتی در تاریخ‌نگاری ایران مورد استفاده قرار گرفت و برخی مقاطع مهم تاریخ معاصر ایران و زندگی گروهی از رجال برجسته دوران پهلوی بازگو شد.